

اصلاحات ارضي

يکي از رویدادهای عمده‌ای که در تاریخ حیات سیاسی حکومت پهلوی تحت فشار آمریکا صورت گرفت و نطفه‌ای برای شکل‌گیری انقلاب اسلامی و سقوط رژیم شاه گردید، «انقلاب سفید» نام داشت. مهمترین فراز این رویداد، که در منشوری ۶ ماده‌ای اعلام شده بود، «اصلاحات ارضی» لقب گرفته بود. تمامی اجزاء این منشور که بعداً به ۱۲ ماده افزایش یافت بخصوص موضوع «اصلاحات ارضی» از نسخه‌هایی بود که هیأت حاکمه جدید آمریکا به سرکردگی «جان کندي» رئیس جمهور آن کشور برای شاه پیچیده بود.

در پائیز ۱۳۳۹، عباراتی چون «نجات آزادی»، «اتحاد برای پیشرفت» و «مرزهای نو» از جمله شعارهای تبلیغاتی دمکراتهای آمریکا در آستانه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری بود. اتحاد و آزادی واژه‌هایی بودند که زمامداران ایران از آن وحشت داشتند به همین جهت در جریان مبارزات انتخاباتی آمریکا، شاه مبالغه‌های هفتگی از طریق اردشیر زاهدی سفیرش در واشنگتن برای تأمین هزینه‌های انتخاباتی ریچارد نیکسون رقیب کندي پرداخته بود. اما کندي پیروز شد و اولین کارش این بود که عذر اردشیر زاهدی را از واشنگتن خواست. کندي پس از پیروزی در انتخابات شعارهای «آزادی فعالیت‌های سیاسی» و «آزادی انتخابات» را نیز به وعده‌های انتخاباتی خود افزود و طرحی را مطرح کرد که بعدها به عنوان «دکترین کندي» معروف شد. این طرح که کندي خود آن را «نجات آزادی» نام نهاد بر لزوم «فضای باز سیاسی و اقتصادی» در کشورهای جهان تأکید داشت. کندي خواهان ایجاد اصلاحات اقتصادی و سیاسی مورد نظر کاخ سفید در کشورها بود. وی تمامی تأکید خود را متوجه کشورهای ثروتمند و نفت‌خیز جهان سوم کرده بود. این نظریه تحت عنوان «انقلاب سفید» در ایران، و با عناوین دیگر در بسیاری از کشورهای ثروتمند خاورمیانه و آمریکای لاتین به اجرا گذارده شد. ایجاد رفورم در نظام سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشورها و حتی اجازه فعالیت به نیروهای ملی غیرکمونیسست و تقویت نظام پارلمان‌تاریستی به منظور جلوگیری از قیام‌های مردمی و تضمین دوام و بقای سیاسی دولتها، خمیرمایه دکترین کندي محسوب می‌شد.

شاه که احساس می‌کرد برای بقا و دوام حکومت خود چاره‌ای جز اجرای این طرح ندارد، ترجیح می‌داد که این برنامه توسط دولتی در ایران به اجرا در آید که کاملاً مطیع و فرمانبردار وی باشد.

دکتر امینی نخست‌وزیر وقت که در اردیبهشت ۱۳۴۰ به قدرت رسیده بود بیش از آنکه مورد تأیید شاه باشد از حمایت همه جانبه آمریکا برخوردار بود.

شاه از اواسط دهه ۱۳۲۰ که امینی در مقام معاونت احمد قوام، روابط ویژه‌ای را با آمریکائیان برقرار کرده بود، نسبت به وی نگرانی داشت. این نگرانی بیشتر از آن جهت بود که مبدا روزی آمریکائیان او را برای اداره کشور به وی ترجیح دهند. امینی در سالهای صدارت قوام چنان مورد توجه خاص دیپلماتهای آمریکا قرار گرفت که به عنوان مهره وابسته به سفارت آمریکا شهرت یافت. ۱. انعقاد قرارداد کنسرسیوم در ۱۳۳۳ که نفت ایران را از سلطه انحصاری انگلیس خارج ساخت و کمپانیهای آمریکائی را نیز در غارت منابع نفتی ایران سهیم ساخت، رویداد دیگری بود که امینی را به شدت نزد آمریکائیان محبوب ساخته بود. در آن زمان امینی در مقام وزیر اقتصاد امضاء کننده پیمان کنسرسیوم بود. او در

سالهای ۱۳۳۴ تا پایان ۱۳۳۶ نیز که سفیر ایران در واشنگتن شد گامهای بلند تری در نزدیکتر شدن به آمریکائیا برداشت. حتی نخست‌وزیر شدن او در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۴۰ نیز تحت فشار آمریکائیا بود .

نکته دیگری که شاه را به امینی بی‌اعتماد ساخته بود، وابستگی خانوادگی امینی به قاجار بود. این دلیل نیز سبب شده بود امینی تا حدودی استقلال عمل خود را در برابر شاه حفظ کند. حتی بعضی محافل آمریکائی در سال‌های ۴۰ - ۱۳۳۹ از امینی به عنوان آلترناتیو شاه یاد می‌کردند. شاه در این سالها چنان به امینی بدبین شده بود که او را از سوی آمریکائیا جانشین خود می‌دانست. ۲

از این رو شاه ترجیح می‌داد اصلاحات لازم‌الاجرای آمریکائی در کشور به وسیله کسی انجام گیرد که تابع وی باشد .

روز ششم دی ۱۳۴۰ قانون اصلاحات ارضی به تصویب هیأت وزیران و به امضای شاه رسید. در ۲۰ بهمن همان سال سفر «چستراپولز» مشاور کندي به تهران برای نظارت بر اجرای این مصوبه نگرانی شاه را افزایش داد . مشاور کندي برای تامین مخارج «اصلاحات ارضی» خواستار افزایش تولید نفت ایران شد . این امر ایران را به سومین صادر کننده نفت جهان رساند. ۴

محدود کردن فروش سلاح به ایران نیز توصیه دیگری بود که آمریکائیا برای فراهم ساختن زمینه صرفه‌جویی مالی جهت تامین هزینه اصلاحات ارضی پیشنهاد کردند .

چند ماه بعد شاه در تیر ۱۳۴۱ با سفر به آمریکا تلاش کرد تا دولت آن کشور را به قطع حمایت‌هایش از امینی متقاعد سازد. شاه با تعهداتی که به دولت کندي داد توانست آمریکا را به عزم خود برای اجرای «اصلاحات» موردنظر آن کشور متقاعد سازد. او توانست با این سفر زمینه کنار نهادن امینی از نخست‌وزیری و جایگزین ساختن امیراسدالله علم را به وجود آورد .

از این رو پروژه‌ای که با نام «اصلاحات ارضی» توسط دولت امینی مطرح شده بود، در دوران علم پیگیری گردید. در این پروژه املاک و اراضی عمده‌ای که خان‌ها، فئودالها و زمینداران بزرگ به خاطر نوع خاص ارتباط‌های خود با حکومتها از عصر قاجار به بعد به چنگ آورده و نسل به نسل حفظ کرده یا توسعه داده بودند، توسط دولت از آنان خریداری شده و به روستائیان فروخته می‌شد .

این طرح و شیوه اجرای آن سبب شد از یکسو مالکان با وجوه بدست آورده رهسپار شهرها شوند و به اقدامات تجاری سودآور برای خود بپردازند و یا در بهترین شرائط، توان اقتصادی خود را در خدمت رونق شهری قرار دهند و روستاها را رها سازند و از سوی دیگر روستائیان نیز به دلیل نداشتن سرمایه لازم برای کار و محروم ماندن از ابزار و وسائل لازم جهت زراعت بر روی اراضی بدست آمده، زندگی در محیط روستا را ترک کرده و به شهرها روی آوردند. دستاورد این سیاست، نابودی تدریجی کشاورزی و رشد قارچ‌گونه مشاغل کاذب در کشور بود. روند مهاجرت‌های ناشی از قانون اصلاحات ارضی از ۱۵/۳ درصد در ۱۳۳۵ به میزان ۱۸/۸ درصد در ۱۳۴۵ و به ۴۳ درصد در ۱۳۵۱ افزایش یافت. ۳ با این همه، مهاجرت راه درمان درد روستائیان نبود. آنان در حالی به سرزمین ناشناخته پای می‌نهادند که برای خود تصوراتی از زندگی بهتر را داشتند ولی تنگناهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی روستائیان سبب شد آنان با حاشیه‌نشینی و

محرومیت از بسیاری مواهب زندگی شهری به نوعی زندگی تحقیرآمیز در کنار سایر ساکنان شهرها تن دهند. در نتیجه پس از اجرای طرح موسوم به «اصلاحات ارضی» شاهد رشد زاغه‌نشینی، آلونک‌نشینی و حلبی‌آبادها در حاشیه شهرها بودیم.

علیرغم همه این معضلات حکومت شاه از قبل اجرای لایحه «اصلاحات ارضی» تلاش کرد گروه‌های مخالف از جمله جبهه ملی و بعضی گروه‌های چپ را منفعل سازد و آنان را به ضدیت با افکار مترقی متهم سازد و خود را مدافع قشر روستائی معرفی کند.

شاه در مرحله بعد لوایح ششگانه موسوم به «انقلاب سفید» را که «اصلاحات ارضی» بخشی از آن بود، به فراندوم گذاشت و آن را علیرغم عدم حضور مردم بخاطر تحریم فراندوم از سوی امام‌خميني، به تصویب رساند. این تحریم زمینه‌ساز حمله خونین ماموران رژیم به مدرسه فیضیه قم در ۱۳۴۲ و سپس قیام ۱۵ خرداد این سال علیه رژیم شد؛ قیامی که سرآغازی بر بیداری ملت مسلمان ایران و شروعی بر روند سقوط رژیم پهلوی گردید.

۱ - علي اميني به روایت اسناد ساواک، مرکز بررسی اسناد تاریخی، مقدمه کتاب .

۲ - مشاهیر سیاسی قرن بیستم، انتشارات محراب قلم، ص ۵۴ .

۳ - سقوط، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ص ۸۴۲ .

۴ - علي اميني، همان .

منبع :

<http://www.ir-psri.com>